

يزيد بن معاويه

تأليف:

اسحاق دبيري رحمته الله

عنوان کتاب:

یزید بن معاویه

تألیف:

اسحاق دبیری رحمته

موضوع:

تاریخ اسلام - اهل بیت، صحابه و تابعین

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری

منبع:

www.aqeedeh.com کتابخانه عقیده



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

یزید بن معاویه

یزید پسر معاویه پسر ابوسفیان فرزند حرب فرزند امیه اموی دمشقی می‌باشد.

ذهبی می‌گوید: او فرمانده لشکر در جنگ قسطنطنیه بود و در میان لشکریان او افرادی همچون ابو ایوب انصاری وجود داشت. پدرش او را به ولایت‌عهدی پس از خود برگزیده بود و بعد از مرگ پدرش، در حالی که تنها سی و سه سال سن داشت، در ماه رجب سال شصت هجری حکومت را به دست گرفت. و دوران حکومت او کمتر از چهار سال دوام آورد.

یزید جزو کسانی است که نه او را دوست می‌داریم و نه او را دشنام و سب می‌دهیم و همچون او در میان خلفای اموی و عباسی و حتی ملوک الطوائفی بسیارند بگونه‌ای که کسانی هستند به مراتب از یزید بدتر بودند. تنها چیزی که مساله یزید را بزرگ جلوه داده است، این است که او بعد از وفات پیامبر ﷺ این مسئولیت را به عهده گرفته است، یعنی پس از چهل و نه سال از وفات پیامبر ﷺ که خیلی نزدیک به عصر ایشان می‌باشد که حتی برخی از صحابه هنوز زنده بودند مانند عبد الله بن عمر که او از یزید و پدرش و حتی پدر بزرگش به مراتب شایسته‌تر و لایق‌تر به خلافت بود!!

یزید دولت خود را با به شهادت رساندن حسین بن علی علیه السلام آغاز نمود و با واقعه حره نیز آن را به پایان رساند. بدین خاطر مردم با او دشمنی می‌کردند و عمرش دوام نیاورد، و در این اثنا و بعد از شهادت حسین علیه السلام بارها علیه او

قیام کردند، مانند قیام مردم مدینه و قیام عبد الله بن زبیر و...^(۱).

شیخ الاسلام ابن تیمیه (رحمته) در باره یزید بن معاویه چنین می گوید:
مردم درباره یزید به سه گروه تبدیل شده اند، دو گروه تندرو، و یک گروه
میانه رو.

نخستین گروه تندرو چنین می گویند: یزید کافر و منافق بود، زیرا او به
این دلیل نوه پیامبر ﷺ را به قتل رساند تا از رسول الله ﷺ انتقام بگیرد و
قلب خود را شفا دهد، چون می خواست با این کار انتقام خون پدر بزرگش
عتبه و برادر عتبه یعنی شیبه و دائی خود، ولید بن عتبه و بقیه فامیل هایش
که به دست اصحاب پیامبر ﷺ و خصوصا توسط علی ﷺ در جنگ بدر به
قتل رسیده بودند، بگیرد. و حرف و حدیث هایی از این قبیل که این گونه
سخن راندن از جانب رافضیه خیلی آسان است، آنان که ابوبکر و عمر و
عثمان را تکفیر می کنند، تکفیر یزید به طریق اولی آسانتر خواهد بود.

و اما گروه افراطی دوم می گویند: یزید مردی صالح و یکی از ائمه عدل
بوده و یکی از اصحاب به حساب می آید که در عهد پیامبر ﷺ به دنیا آمده و
پیامبر او را بر روی دستان خویش گرفته و او را مبارک نموده است، و حتی
برخی از آنان یزید را بر ابوبکر و عمر هم برتری می دهند، و برخی نیز او را
جزو انبیا دانسته اند!!!

هرکس دارای اندکی عقل و خرد باشد و دارای کمترین آگاهی به تاریخ و
سیره و سرگذشت پیشینیان باشد، در می یابد که این گفتار باطل و بی اساس
می باشد.

بنابر این نمی توان این سخنان را به هیچکدام از بزرگان و علمایی نسبت
داد که دارای اندیشه و عقل سلیم باشند.

^۱ - سیر أعلام النبلاء، ۴/۳۸.

اما دیدگاه سوم: این گروه می‌گویند: یزید یکی از پادشاهان مسلمانان بوده که دارای حسنات و سیئات می‌باشد، او در دوران خلافت عثمان رضی الله عنه متولد شد و کافر هم نبود، منتهی عملکردهای ناشایست او موجب به شهادت رسیدن حسین رضی الله عنه گشت و نیز ناجوانمردانه با مردم حره برخورد کرد، و او نه صحابه پیامبر است، و نه جزو اولیای خدا.

این دیدگاه عامه اهل عقل و علم و عموم اهل سنت و جماعت می‌باشد. سپس مردم به سه دسته تقسیم شدند، گروهی او را لعنت و نفرین کردند، و گروهی او را دوست می‌داشتند، و گروهی نیز نه او را دشنام می‌دهند و نه او را دوست می‌دارند، این گفتار از جانب امام احمد بن حنبل نقل گشته و یاران امام احمد و گروه‌های بسیاری از همه مسلمانان همین سخن را می‌گویند.

صالح بن احمد می‌گوید: به پدرم گفتم: گروهی می‌گویند که یزید را دوست می‌دارند، او گفت: پسر مگر کسی که به خدا و به روز قیامت ایمان داشته باشد یزید را دوست می‌دارد؟

گفتم پدر جان پس چرا او را نفرین و لعنت نمی‌فرستی؟ فرمود: پسرم تا به حال کی پدرت را دیده‌ای که کسی را نفرین و لعنت کرده باشد؟

ابو محمد مقدسی می‌گوید: هنگامیکه در مورد یزید سوال شد که نباید او را دشنام داد و نباید او را نیز دوست داشت و در ادامه گفت: چنان شنیده‌ام که درباره یزید از پدر بزرگم أبو عبدالله بن تیمیه سوال شد: ایشان در جواب گفتند: درباره او نه بیشتر از آنچه بوده خواهیم گفت، و نه کمتر از آن خواهیم گفت، و این عادلانه‌ترین گفتار در مورد یزید و امثال او می‌باشد^(۲).

^۲ - مجموع فتاوی شیخ الاسلام ابن تیمیه: ۴۸۱/۴ - ۴۸۴.